

### لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم

تازه بدستم رسید

با سلام خود درود خوادان

بگذارم که بگذرد با داودت که لطفاً برام فرستاده ای. ~~اول صبح است و آغاز کار~~

مستاق و مشابیه زن کتاب را "لا اعلم" خواندم و نامه به دست

بگدم از نظر گذراندم تا بحسب عادت که دارم بعد از گذشتن اخبار راه وقت بخوانم و یاد داشت آن

مبار خودم در حاله کنی بگویم و باز از تو بخوانم تا بتوانم در دنیا دردن شاعری محقق

و آنست بنگشتم اول صبحی که می توانم بگدم این است که

سوز از دور بهار، عطر عقیق، پرتو تارن و از روزی

رکته سرشاند. از این روش سیاسی و ساد با

از احاسن و الا که در روش بندز داوند نهفته و نهان است، لذت بدم. سادم که

عشقه بین در گزینش دنیام "بندز داوند و البرزین گشت، الام منحس مردم ما لودب است

بر از ارسال مجله پوشیدگان، از سگ و مانو سگوه میزادگی، امکان تسکون دارم.

آرزوندند میروند بر زمینها و فرستگنی تان ترسک

و راه

لندن ۱۹ اکتبر ۱۹۸۸